

گفت وگو با محسن اسلام زاده، کارگردان و تهیه کننده مشهدی مجموعه مستند «طلوع از غرب»

اروپا، راوی مظلومیت فلسطین شد

گفت وگویی روز

شکیبا افخمی راد ایس از آغاز جنگ غزه، موجی از اعتراض ها و حمایت های مردمی از فلسطین در کشورهای مختلف اروپا شکل گرفت. اتفاقی که برای محسن اسلام زاده، فیلم ساز

مشهدی، به پریشی مستندنگارانه تبدیل شد؛ «در آن سوی مرزهای غربی، چه اتفاقی در حال رخ دادن است و چه کسانی پرچم حمایت از فلسطین را به دست گرفته اند؟» حاصل این کنجکاوی، مجموعه شش قسمتی «طلوع از غرب» است. مستندی که اسلام زاده در آن به فرانسه، بلژیک و هلند سفر کرده و سراغ گروه ها و شخصیت هایی رفته است که هر کدام به شکلی در حمایت از فلسطین فعال هستند. او در این مجموعه تلاش کرده به جای ارائه گزارش خبری از اعتراض ها، به آدم های حاضر در این جریان ها نزدیک شود و انگیزه های و تجربه هایشان را روایت کند. «طلوع از غرب» محصول مشترک مرکز هنری رسانه ای نهضت و مؤسسه فرهنگی هنری اندیشه شهید آوینی است و اکنون هم زمان با فرا رسیدن سالگرد عملیات «طوفان الاقصی» آماده نمایش شده است. طوفان الاقصی که در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ رقم خورد، منجر به سقوط و فروپاشی هیمنه اسرائیل در نزد جهانیان شد. موضوعی که نه تنها در کشورهای اسلامی بلکه در جهان غرب نمود پیدا کرد و تابوی اسرائیلی از هم پاشید.

ایده اولیه «طلوع از غرب» از کجا شکل گرفت و چه چیزی باعث شد به جای تمرکز مستقیم بر جنگ غزه، سراغ به تصویر کشیدن واکنش افکار عمومی اروپا بروید؟

بعد از هفتم اکتبر و عملیات طوفان الاقصی شاهد یک بیداری جهانی بودیم، بنابراین به نظرم درست نیست تمام قضایای طوفان الاقصی را فقط به غزه، لبنان یا منطقه غرب آسیا محدود کنیم. در آن زمان همه مادر رسانه ها تصاویر و تظاهرات منظم و هفتگی و جنبش هایی را می دیدیم که در کشورهای مختلف غربی شکل گرفته بود. همین موضوع برای یک مستند ساز سؤال جدی ایجاد می کند که در غرب چه خبر است، چه کسانی پرچم حمایت از فلسطین و مبارزه با رژیم اشغالگر قدس را به دست گرفته اند و این جریان ها تا چه اندازه عمیق هستند؟ این پرسش ها نقطه آغاز کار من شد و تصمیم گرفتم به اروپا سفر کنم. ابتدا قصد داشتم فقط درباره دو شخصیت فیلم بسازم. یکی پروفیسور کریستوف اورلاین، جراح مشهور فرانسوی که در ابتدا طرف دار اسرائیل بوده، ولی زمانی که به فلسطین سفر می کند، می بیند تمام حرف هایی که تا آن زمان شنیده، دروغ بوده است. او بعد از سال ها بارها به غزه می رود و بعد از مدتی هم شروع به نوشتن کتابی درباره فلسطین می کند. شخصیت دیگری هم که در نظر داشتم خانی به نام استراژ هلند بود. او هم یک جنبش ضد صهیونیستی را راه اندازی کرده بود. اما وقتی به پاریس رسیدم، متوجه شدم ما جریا بسیار گسترده تر از این دو شخصیت است. من با آدم های مختلفی در کشورهای مختلف اروپا روبه رو شدم. از پیرو دیان ضد صهیونیست مانند اولیو یا رموز گرفته تا دکتر میشل کلون در بلژیک و دیو دونه، کم دین فرانسوی. شکل موضوع باعث شد تصمیم بگیرم مجموعه را در قالب یک سفرنامه شش قسمتی بسازم تا آدم های مختلفی در فیلمم صحبت کنند.

برای انتخاب کشورهای مقصد چه معیاری داشتید؟ سفرم از سوئیس آغاز شد و بعد به فرانسه، بلژیک و هلند رفتم. البته ویزی من دو هفته بیشتر اعتبار نداشت و اگر فرصت بیشتری داشتم حتما به کشورهای دیگری مثل آلمان هم می رفتم. در سوئیس، در مقطعی که من آنجا بودم، اتفاقی خاصی در زمینه جنبش های حمایت

از فلسطین وجود نداشت. البته بعد ها این جریان به سوئیس هم رسید و فعالیت ها و تجمع های طرف داران فلسطین در آنجا شکل گرفت. در میان کشورها فرانسه برایم اهمیت ویژه ای داشت. به خصوص پاریس که در آن برنامه های منظم و گسترده ای در حمایت از فلسطین برگزار می شد. نکته جالب این بود که بخش قابل توجهی از فعالان اصلی این جنبش ها اروپایی الاصل بودند و جریان فقط به مسلمانان یا مهاجران آفریقایی محدود نمی شد. از طرف دیگر، من در فرانسه با آقای میشل کلون آشنا شدم. دفتر اصلی و محل فعالیت ایشان در بلژیک بود و به همین دلیل برای ادامه کار به بروکسل رفتم. هلند هم به دلیل حضور چند سازمان مردم نهاد بسیار فعال در حوزه فلسطین، یکی از مقصد های اصلی من شد. بعد ها نیز دیدیم که چندین تظاهرات در هلند به جمعیت های صدها نفری رسیده بود. بنابراین انتخاب من فرانسه، بلژیک و هلند بود تا بتوانم تصویری متنوع تر از جریان حمایت از فلسطین در اروپا ارائه کنم.

در این سه کشور، آیا میان نوع و گستره حمایت از فلسطین تفاوت متناداری مشاهده کردید؟

تظاهرات در همه این کشورها برگزار می شود، اما در هر کدام از آن ها کارهای خلاقانه و هنری متفاوتی صورت می گرفت. در فرانسه گروه هایی بودند که تئاتر خیابانی اجرا می کردند. آن ها خودشان را شبیه مجروحان جنگ یا مادرانی که فرزندان را از دست داده اند، درمی آوردند و گروه های موسیقی نیز در این برنامه ها حضور داشتند. در هلند هم یک حرکت بسیار تأثیرگذار انجام شده بود. در میدان های اصلی شهرها به یاد کودکان شهید غزه، کفش های کودکانه چیده بودند و بعد نام و سن این شهدا را می خواندند که بسیار تأثیرگذار بود. در واقع وقتی تعداد شهدا زیاد می شود، ممکن است اعداد برای انسان ها عادی شود و دیگر نتوانند عمق فاجعه را درک کنند. اما در این طراحی وقتی برای هر شهید یک جفت کفش می بینید، آن عدد دوباره به یک انسان تبدیل می شود. به نظرم حرکتی که در هلند انجام شد توانست تعداد قربانیان را برای مردم عینی کند. در هلند مؤسسه ای هم به نام «یک درخت زیتون بکار» بود که با کاشت درخت زیتون در سرزمین فلسطینیان و پیگیری حقوقی وضعیت آن ها تلاش می کرد از این زمین ها محافظت کند. برای من جالب بود که آدم ها هر کدام به شیوه ای که می توانستند، درگیر مسئله فلسطین شده بودند و مبارزه می کردند.

برای رسیدن به شخصیت ها و سوزۀ های مستند چه مسیری را طی کردید؟

کار از چند سرنخ شروع شد. دوستانی از جمله آقای کمیلی، علی رجبی و مهدی ابراهیمی، مسئول دفتر صداوسیما در پاریس، به ما بسیار کمک کردند. در ادامه هم از طریق افراد مختلف به آدم های دیگری مثل جلیل و شاهین هزای معرفی شدیم و این ارتباط ها ادامه پیدا کرد. کم کم تعداد مصاحبه ها بیشتر شد و شخصیت های مختلفی وارد پروژه شدند.

مخاطب در «طلوع از غرب» چه چیزی می بیند که شاید در گزارش های خبری و رسانه های رسمی کمتر دیده باشد؟ تفاوت مستند با گزارش خبری این است که در ورین می تواند به شخصیت ها نزدیک شود و در یک فضای واقعی، با حوصله بیشتری آن ها را بشناسد. برای من مهم بود که فقط نگوییم این افراد در حمایت از فلسطین تظاهرات می کنند، می خواستیم ببینیم چرا این کار را انجام می دهند و چه انگیزه ای پشت رفتارشان وجود دارد. در واقع به دنبال نمایش بی واسطه حقیقت بودم. همچنین تلاش کردم مخاطب هم خودش را همراه من ببیند و در این تجربه شریک شود. به همین دلیل سعی کردم از فضای تبلیغاتی فاصله بگیرم و اجازه بدهم مخاطب



به همراه فیلم ساز، آدم ها و اتفاقات را کشف کند.

در زمان فیلم برداری با محدودیت، فشار یا ممانعتی از سوی نهادهای رسمی یا گروه های سیاسی در کشورهای اروپایی روبه رو شدید؟

من زمانی وارد اروپا شدم که چند هفته قبلش، مهدیه اسفندیاری دانشجوی ایرانی به وحشیانه ترین شکل ممکن در شهر لیون فرانسه دستگیر و در حقیقت توسط پلیس روده شده بود. از همین رو سایه سنگین نیروهای امنیتی شان را حس می کردم. با این حال در زمان حضور من اتفاق مستقیمی برای خودم رخ نداد، اما بعد ها یکی از شخصیت های مستند، شاهین هزای، ساعت ۶ صبح در خانه خودش مورد حمله نیروهای ضد تروریست پلیس فرانسه قرار گرفت و جلوی فرزندش کتک خورد و بازداشت شد. البته در دادگاه نتوانستند چیزی را علیه او ثابت کنند. به طور کلی همه را تحت فشار قرار می دادند برای مثال وقتی با دیو دونه، کم دین فرانسوی می خواستم گفت وگو کنم با باند الکترونیکی داشت، حتی برای مصاحبه باید در محدوده مشخصی از محل زندگی اش حرکت می کردم. بنابراین ما این سایه امنیتی را در طول کار احساس می کردیم و هر لحظه احتمال می دادیم برایمان مشکلی ایجاد شود، اما خوشبختانه در زمان فیلم برداری اتفاقی برای تیم ما نیفتاد.

ساخت یک مجموعه شش قسمتی چه امکاناتی در اختیار شما گذاشت که در قالب یک فیلم مستند بلند امکان پذیر نبود؟ من یک مستند بلند هفتاد دقیقه ای هم ساخته ام و ممکن است همین مستند در روز رونمایی نمایش داده شود. اما مستند بلند به هر حال ظرفیت محدودی دارد. دوربین من هم در «طلوع از غرب» حالت سفرنامه ای داشت. مادر سه کشور با حدود دوازده یا سیزده شخصیت دیدار کردیم و در برنامه ها و موقعیت های مختلف همراه او ها شدیم. خود حضور در روپا هم بخشی از فضای فیلم است و در پس زمینه کار، تصویری از اروپا را می بینیم که آن تصور رایج درباره پیشرفت، امکانات و برتری تکنولوژیک غرب را به چالش می کشد. من فقط درباره پاریس سه قسمت چهل دقیقه ای ساخته ام. در بلژیک یک قسمت و در هلند هم دو قسمت کار کردم. مادر هلند به دادگاه راه رفتم و با سفير آفریقای جنوبی گفت وگو کردیم. وقتی این حجم از شخصیت، گفت وگو، موقعیت و تصویر را داریم، اگر بخوایم همه را در یک فیلم بلند بگنجانیم، بخش زیادی از این تجربه حذف می شود. به همین دلیل فکر می کنم ساختار شش قسمتی برای این کار انتخاب مناسب تری



بود. حتی می شد مجموعه را در هفت قسمت هم ساخت، اما برای اینکه ریتم کار حفظ شود و مجموعه کش دار نشود، تصمیم گرفتیم آن را در شش قسمت جمع کنیم.

چقدر از آنچه در فیلم می بینیم حاصل مشاهده مستقیم شماست و چقدر به آرشیو، تصاویر رسانه ای یا روایت های دیگران متکی است؟

تقریبا همه تصاویر تولیدی است و آرشیو بسیار کمی در فیلم داریم. «طلوع از غرب» بیشتر یک مستند مشاهده گر است و برخلاف بسیاری از مستندهای تلویزیونی، متکی به گفتار متن نیست. دوربین در جریان اتفاقات حرکت می کند و آنچه می بینیم حاصل تجربه ای است که فیلم ساز در طول سفر به دست آورده است.

مهم ترین تفاوت این مجموعه با دیگر آثاری که درباره غزه و فلسطین ساخته شده اند چیست؟

مولانا در یکی از اشعار مشهورش می گوید: «خوش تر آن باشد که سر دلبران، گفته آید در حدیث دیگران.» به نظرم این جمله تا حد زیادی توضیح دهنده رویکرد مادر «طلوع از غرب» است. این مستند، با اینکه درباره فلسطین و وجهه مقاومت است، در یک فضای کاملا متفاوت نفس می کشد. ما به جای اینکه فقط از زاویه خودمان درباره مسئله فلسطین حرف بزنیم، رفته ایم و آدم هایی را پیدا کرده ایم که در کشورهای اروپایی تحت تأثیر این اتفاقات قرار گرفته اند و خودشان درباره آن صحبت می کنند. یکی از نمونه های جالب برای من، گفت وگو با یک سرهنگ بازنشسته ارتش فرانسه به نام کلنل آلن کروز بود. او حدود یک سال و نیم پیش، درباره ایران صحبت کرده و گفته بود ایران به یک قدرت منطقه ای تبدیل شده است. علاوه بر این در پاریس به یک کتاب فروشی و مجموعه فرهنگی مرتبط با مقاومت رفتم. مسئول آنجا تعریف می کرد که بعد از هفتم اکتبر، دیگر برنامه های داخلی خودشان را برگزار نکردند و بیشتر در خیابان حضور داشتند. می گفت مردم گوششان باز شده و آماده شنیدن هستند. اتفاق جالب دیگری که در آن روزها دیدم، ما جرای انتشار و فروش یکی از کتاب های رهبر شهید انقلاب در فرانسه بود. یک ناشر فرانسوی این کتاب را با هزینه شخصی خودش منتشر کرده بود. او می گفت خیلی ها امروز می خواهند بدانند این روحانی مذهبی که در برابر آمریکا و اسرائیل ایستاده و از فلسطین حمایت می کند، چه کسی است. این برای من نشانه یک تغییر بود، یعنی آدم هایی در غرب هستند حالا خودشان دنبال پاسخ می گردند و می خواهند بدانند در منطقه چه اتفاقی در حال رخ دادن است. به نظرم بعد از سال ها سانسور سنگین در غرب، امروز خون های ریخته



شده در غزه، موشک ها و مقاومت ایران و زدن هواییهای آمریکایی توسط پدافند قهرمانان باعث شده تا مردم دنیا حرف های ما را بشنوند.

در این مدت مستندها و آثار تصویری مختلفی درباره جنگ غزه و مسئله فلسطین ساخته شده است. ارزیابی شما از مسیری که مستندسازان تاکنون طی کرده اند چیست؟

با وجود همه ضعف هایی که داریم، به نظرم آمریکا و اسرائیل را در جنگ رسانه ای شکست داده ایم. منظورم از «ما» گزارش های الجزیره و المیادین و آثار فیلم سازان فلسطینی، اروپایی و آمریکایی قاتل به مسئله مقاومت و مستندسازان و عکاسان ایرانی است. نمونه مهمی که باید به آن توجه کرد، فیلم سازان فلسطینی هستند. سال گذشته رشید مشهورای در جشنواره سینما حقیقت حضور داشت و گفت حدود ۳۵۰ اثر بعد از طوفان الاقصی توسط فیلم سازان فلسطینی ساخته شده و در جشنواره های مختلف جهان به نمایش درآمد. در واقع فیلم سازان غزه در شرایط بسیار سخت، با کمترین امکانات، به ثبت و روایت آنچه بر مردمشان می گذرد ادامه داده اند. البته قطعا ضعف هایی هم داریم و می توانیم بهتر از این عمل کنیم. اما در مجموع ما صدای مظلومیت مردم فلسطین و مردم کشورمان را به دنیا رساندیم و همان طور که در اخبار می بینید اکنون شاهد تظاهرات از استرالیا و آمریکا گرفته تا کشورهای شرقی آسیا هستیم.

شما در «طلوع از غرب» به سراغ واکنش افکار عمومی اروپا رفته اید. آیا فکر می کنید این زاویه در آثار بعدی هم جای کار دارد و چه ایجاد دیگری از تغییرات اجتماعی و سیاسی اروپا در پی جنگ غزه هنوز مستندسازی نشده است؟

سوزۀ های بسیار زیادی وجود دارد. همین حالا موضوعاتی در اروپا و آمریکا سراغ دارم که می توان درباره آن ها مستند ساخت. از ورزشکارانی که حاضر نشده اند یا ورزشکاران اسرائیلی مسابقه بدهند تا کسانی که در اعتراض های ضد جنگ شرکت می کنند و هر کدام دلایل و تجربه خاص خودشان را دارند. اما مشکل این است که آن امپراطور رسانه ای اجازه نمی دهد به راحتی سراغ همه این سوزۀ ها برویم. حتی کسانی که در این جریان ها فعالیت می کنند با فشار مواجه اند. از محدود شدن حساب های بانکی و مجوزهای کاری گرفته تا فشار بر خانواده ها و حتی محدودیت در استفاده از خدمات عمومی. با این حال، سوزۀ ها همچنان وجود دارند و ما تلاش می کنیم در همین شرایط، روایت هایی را که کمتر دیده شده اند پیدا و ثبت کنیم.

نمایش خط معلی در نگارخانه رضوان

نمایشگاه انفرادی «رخساره» از آثار خط معلی ساره سروانی این روزها در نگارخانه رضوان برپاست. نمایشگاه «رخساره» تا پنجشنبه ۲۳ مهرماه از ساعت ۹ تا ۱۳ و تا ۱۶ ادامه دارد.



برگزاری نمایشگاه نقاشی در نگارخانه فردوسی

نمایشگاه نقاشی با عنوان «شاهنامه» از دست نگاره های فروزان سبحان زاده این روزها در نگارخانه فردوسی دایر است. این نمایشگاه تا آخر هفته از ساعت ۱۶ تا ۲۰ برپاست.



نگارخانه «آسمان» میزبان نمایشگاه گروهی نقاشی

نمایشگاه گروهی نقاشی «پروژه ۳» زیر نظر محمد طاهری مقدم پنجشنبه ۱۶ مهرماه ۱۴۰۵ ساعت ۱۸ در نگارخانه آسمان افتتاح می شود. این نمایشگاه تا ۲۱ مهرماه از ساعت ۱۸ تا ۲۱ دایر می باشد.



سینمای مشهد؛ میان استعداد های بزرگ و فرصت های از دست رفته

سید مهدی رضا زاده، فیلم ساز در سومین جلسه انجمن «عصر سینما» مطرح کرد



گزارش روز

ریحانه موسوی اسومین جلسه انجمن عصر سینما با محوریت ۴۷ سال تجربه، خاطرات، چالش ها و ظرفیت های سینمای خراسان، با حضور سید مهدی رضا زاده مدرس، نویسنده و فیلم ساز در مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی برگزار شد. فیلم سینمایی «استخوانای بابام» و سریال «قصه های آبادی» از آثار مهم او هستند. رضا زاده در این نشست از مسیر ورودش به سینما و تجربه همکاری با برخی از چهره های شناخته شده این عرصه گفت و در ادامه به مسائلی پرداخت که به باور او سال هاست سینمای مشهد را با چالش روبه رو کرده است؛ از کمبود منابع مالی و مشکلات تولید و پخش گرفته تا مهاجرت هنرمندان و استفاده نکردن از ظرفیت های فرهنگی و تاریخی مشهد برای ساخت آثار سینمایی.

مشکلات مالی، آسیب فیلم سازی مشهد سید مهدی رضا زاده با اشاره به وضعیت سینمای ایران پیش از انقلاب گفت: اگر نگاهی به آن دوران بیندازید، می بینید کشورهایی که صنعت سینما داشتند، فیلم هایشان را به ایران می فروختند. سینماگران مطرح نیز به ایران رفت و آمد داشتند و با سینماگران داخلی جلسات و تعاملات خوبی برگزار می کردند. سینماگرانی مانند ناصر تقوایی، داریوش مهرجویی و عباس کیارستمی نیز از دل همین جریان بزرگ بیرون آمدند و رشد کردند. رضا زاده افزود: در کنار همه این جریان ها، چیزی تحت عنوان «فیلم فارسی» نیز شکل گرفت. سینمای هند امروز بیش از چهار میلیارد بیننده دارد و تنها سینمای زنده دنیاست که می تواند در برابر سینمای ایران قرار بگیرد، اما ما هم سینمای هند و

هم فیلم فارسی را تمسخر می کنیم. او با اشاره به مهم ترین مشکلات فیلم سازی در خراسان رضوی اظهار کرد: بزرگ ترین آسیب، ابتدا مشکلات مالی و پس از آن، مسائلی بود که از سوی برخی همکارانمان ایجاد شد. افرادی بودند که تصور می کردند کارگردانی چندان سخت نیست و خودشان می توانند این کار را انجام دهند. اما در نهایت با شکست روبه رو شدند.

مشکل سینمای مشهد، پخش است

وی درباره آسیب های دوری مشهد از دفاتر پخش تهران و بازنگشتن سرمایه فیلم ها گفت: مشهد بهترین های حوزه فیلم سازی را در ایران دارد و می توانست بهترین آثار را تولید کند، اما هنرمندان این شهرگاهی برای یکدیگر مشکل ایجاد کرده اند. فیلم خوب در

نهايت پخش خواهد شد. مشکل اصلی این است که فیلم خوب نمی سازیم. این کارگردان ادامه داد: منظور از فیلم خوب این نیست که حتما تجاری یا غیرتجاری باشد یا جایزه اسکار بگیرد. فیلم خوب، فیلمی است که در سینما نمایش داده شود و مردم از دیدن آن لذت ببرند. رضا زاده اضافه کرد: از نخستین فیلم هایی که از مشهد در سینما اکران شد، «استخوانای بابام» بود. اگر بخوایم درباره اتفاقاتی که هنگام تولید این فیلم برای ما رخ داد صحبت کنم، شاید از میزان مقاومتی که داشتیم حیرت کنید. با این حال، امروز هم به هیچ عنوان نمی توانند ما را از مشهد بیرون کنند. جوانان مشهدی می توانند به راحتی در رده های بالای جهانی قرار بگیرند، اما متأسفانه کسی از آن ها حمایت نمی کند.

وی افزود: مسئله اصلی ساخت فیلم نیست، بلکه پخش آن است. دنیای سینما در حال تحول است و متأسفانه برخی از این تغییرات قابل تحمل نیست. بسیاری از دوستان ما اشتباهات بزرگی کردند و خودشان را درگیر جشنواره ها کردند. به نظر من، سینما برای مردم عادی ساخته شده است تا از آن لذت ببرند. من تاکنون برای هیچ جشنواره ای فیلم ساخته ام و ایرادی هم به فیلم سازانی که چنین کاری می کنند ندارم. اما به آن ها می گویم که با این کار پول خود را هدر می دهند. کشورهای خارجی نگاه می کنند که کدام فیلم سیاه نمایی بیشتری دارد و می توانند تأثیر بیشتری بر نگاه آن ها به ایران بگذارد. البته به این موضوع توجه نمی کنند که در بسیاری از شورا های داوری سینما در دنیا، یک ایرانی حضور دارد.